

با کمک بچه‌ها، درختها زنده و سرحال باقی ماندند!



زمانی که پدران ما شهرنشینی را به عنوان سبک زندگی خود برگزیدند، قصدشان وداع با طبیعت نبود؛ اما امروز دود، سر و صدا و جمعیت زیاد کلان شهرهایی چون تهران، شهروندانشان را هر چه بیشتر با طبیعت بیگانه ساخته و در مواردی بسیار، بی‌مهری‌های ما شهرنشینان، صدمه‌هایی جبران‌ناپذیر به طبیعت اطرافمان وارد کرده است. در این میان، عده‌ای جوانان تهرانی به منظور ارتقای کیفیت زندگی شهری و بهبود وضعیت محیط زیست انسانی، موسسه‌ای تاسیس کرده‌اند که تا به حال پروژه‌های گوناگونی با هدف آشتی طبیعت و شهروندان تهرانی انجام داده است. پروژه‌های خلاقانه موسسه "اندیشه انسان‌شهر" می‌تواند الهام‌بخش عزیزانی باشد که نگران وضعیت محیط زیست شهرشان هستند. در طی گفتگویی با مهدی سلیمانی، یکی از پایه‌گذاران این موسسه، جویای جزئیات پروژه‌های "اندیشه انسان‌شهر" شدیم. آقای سلیمانی که از دانش‌آموختگان مدرسه پرتو نیز می‌باشد، فارغ‌التحصیل رشته جغرافیای انسانی و از فعالان محیط زیست است و سابقه یک دهه همکاری با سازمان‌های غیردولتی زیست محیطی را دارد.

پرتو: چگونه به فکر تشکیل موسسه اندیشه انسان‌شهر افتادید؟
م.س: یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری موسسه ما، تجربه حاصل از همکاری و عضویت در سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی به ویژه سازمان غیردولتی جبهه سبز ایران بود؛ به طوری که پس از توقف فعالیت‌های این سازمان، تصمیم گرفتیم برای از بین رفتن سرمایه انسانی و اجتماعی شکل گرفته، بخشی از اهداف آن را در قالب موسسه‌ای ترویجی و پژوهشی پیگیری کنیم و ادامه دهیم. در اواخر سال ۸۶ بود که به فکر تاسیس این موسسه افتادیم و بعد از پیگیری‌های فراوان توانستیم در شهریور ۸۷ این موسسه را به ثبت برسانیم. با توجه به سختی‌ها و

پیچیدگی‌های ثبت سازمان‌های غیردولتی، تصمیم گرفتیم فعالیت‌هایمان را در قالب موسسه‌ای خصوصی و با هدف ارائه خدمات پژوهشی و ترویجی در حوزه محیط زیست شهری اجرایی کنیم.

پرتو: با در نظر داشتن این مسئله که موسسه شما به دنبال سود شخصی نیست و به نوعی غیرانتفاعی محسوب می‌شود، با ثبت شرکت به عنوان موسسه خصوصی از لحاظ مالیاتی متضرر نمی‌شوید؟

م.س: موسسه ما موسسه‌ای غیرانتفاعی نیست. یکی از اهداف اصلی موسسه ما راه‌اندازی کسب و کاری اجتماعی بوده که از طریق آن آدم‌های علاقمند به فعالیت در این حوزه بتوانند از همین طریق کسب درآمد کنند و اگر خواستند به عنوان شغل به فعالیت‌هایشان نگاه کنند. در خصوص معافیت‌های مالیاتی هم تا جایی که من اطلاع دارم، ساز و کارهای معافیت مالیاتی برای سازمان‌های غیردولتی بسیار پیچیده است و به راحتی نمی‌توان از این معافیت‌ها استفاده کرد.

پرتو: هسته اولیه تشکیل موسسه چند نفر بودید؟

م.س: در ابتدا پنج نفر بودیم که سابقه همکاری با همدیگر را در همین حوزه و در برنامه‌های مختلف داشتیم و با توافق جمعی سه نفر از ما برای ثبت رسمی داوطلب شدیم.

پرتو: کمی از فعالیت‌های موسسه بگویید. اصولاً چه نوع پروژه‌هایی انجام می‌دهید؟

م.س: در مجموع فعالیت‌های ما شامل توانمندسازی شهروندان، برگزاری کارگاه‌های آموزشی، تسهیلگری فرآیندهای مشارکتی و تولید محصولاتی برای فرهنگ سازی نظیر بروشور و کتابچه‌های آموزشی با موضوعات حقوق شهروندی و آپارتمان نشینی و اداره سبز می‌شود. انجام پروژه‌های پژوهشی و مطالعاتی مرتبط نیز از دیگر فعالیت‌هایی است که این موسسه به آن می‌پردازد.

برگزاری مجموعه "کارگاه‌های ظرفیت‌سازی شهرداران مدرسه"، اجرای نمایش "پرده خوانی هفت خوان آب"، برپایی برنامه "کتابخوانی قاصدک قصه گو"، "جانمایی مخازن زباله با مشارکت اهالی در محله اراج تهران"، پروژه "آشنایی دانش‌آموزان با گیاهان شهر تهران" و طرح مطالعاتی و تحقیقاتی در خصوص "استانداردسازی نور در اتوبان بسیج و خیابان آهنگ" از جمله پروژه‌هایی بوده است که در این موسسه طراحی و اجرا گردیده است.

تمرکز فعالیت‌های ما تا به امروز بیشتر در حوزه کودکان و نوجوانان بوده است. برای مثال، در نخستین پروژه خود برنامه‌ای برای آموزش کودکان در خصوص اهمیت آب در زندگی شهری تدارک دیدیم که در طراحی

و اجرای آن از کلیشه‌های رایج به شدت پرهیز کردیم. این برنامه که هفت‌خوان آب نام داشت به صورت نمایش پرده‌خوانی و نقالی اجرا می‌شد. برای ملموس شدن بحث برای کودکان سعی کردیم برای آب داستانی بسازیم؛ داستانی در مورد خانواده آب! خانواده آب کارا کتر سازی را کردیم تا کودکان با منابع تامین کننده آب بهتر آشنا شوند، مثلاً رودابه خانم را به عنوان نماینده آب رودها و آقای زیرآبچی را به عنوان نماینده آب‌های زیرزمینی معرفی کردیم. در حقیقت این نمایش، خانواده آب را نشان می‌داد که چگونه بر اثر کم توجهی ما انسان‌ها، ضعیف و ناخوش و در معرض خطر واقع شده‌اند. ما تا کنون این نمایش را در بیش از ۳۰ مدرسه و پنج بوستان شهر تهران اجرا کرده‌ایم و گروه هدف در این پروژه دانش آموزان دبستانی کلاس سوم تا پنجم بوده‌اند.

پرتو: تامین مالی این پروژه چگونه بود؟

م.س: در ابتدای کار شهرداری منطقه ۷ تهران و سازمان آب و فاضلاب منطقه ۲ حامیان این پروژه بودند، که البته سازمان آب و فاضلاب از لحاظ مالی کمکی نکرد و فقط تامین بخشی از جوایز و وسایل کار را قبول کرد. بعد از آن نیز هزینه‌ای برای هر بار اجرا مشخص کردیم که به ازای دریافت آن مبلغ برای متقاضیان برنامه را اجرا می‌کردیم.

پرتو: تیم اجرایی این پروژه چند نفر بودند؟

م.س: یک کارگردان داشتیم که به چهار آموزشگر، آموزش نقالی و اجرا می‌داد، دو نفر طراح و گرافیک که پرده‌های کار را کشیدند و کاراکترهای خانواده آب را طراحی و خلق کردند، چهار نفر نقال و آموزشگر که مسئولیت نوشتن متن و اجرای برنامه‌ها را داشتند، سه نفر دیگر هم به صورت داوطلبانه در زمان‌هایی که نیاز به کمک‌هایی از جنس پشتیبانی، عکاسی و مستندسازی بود به تیم کمک می‌کردند.

پرتو: آیا روشی برای سنجش اثربخاری پروژه خود روی بچه‌ها طراحی کرده بودید؟ و آیا به نظرتان پروژه تا چه حد موفقیت آمیز و اثرگذار بود؟

م.س: طبق برداشت شخصیم، می‌توانم بگویم اثربخاری کار مطلوب بود، چرا که استقبال و درگیر شدن بچه‌ها با پرده‌خوانی علیرغم مناسب نبودن فضاهای اجرا برایم خیلی جالب بود. بچه‌ها بعد از پایان اجرا کاراکترها را دقیقاً به خاطر می‌آوردند. حتی یک مورد یادم هست که در نمایشگاهی پرده‌ها را در غرفه گذاشته بودیم و بچه‌ای که به همراه مادرش بود ما را شناخت و به داخل غرفه آمد و اسم تمام کاراکترهای نمایش را به مادرش معرفی کرد. البته به دلیل محدودیت بودجه خود

نمی‌توانستیم از روش‌های هزینه‌بر برای سنجش اثرگذاری کار خود استفاده کنیم، در نتیجه تصمیم گرفتیم بعد از پایان هر اجرا، کاربرگی چهار صفحه‌ای به بچه‌ها بدهیم که در دو صفحه آن به تشریح شخصیت‌های نمایش پرداخته بودیم و در دو صفحه دیگر کارهای عملی به بچه‌ها پیشنهاد کرده و از بچه‌ها خواسته بودیم که نامه‌ای به خانواده آب که در پایان نمایش مریض شده بودند، بنویسند. چند هفته پس از اجرای نمایش، به مدرسه مورد نظر می‌رفتیم و این کاربرگ‌ها را جمع می‌کردیم. مطالعه پاسخ‌های بچه‌ها و نامه‌هایی که به خانواده آب نوشته بودند نشان می‌داد که کاراکترهای نمایش به خوبی در ذهنشان مانده است و ذهنشان درگیر مسئله آب شده است. چند ماه بعد، جشنواره‌ای برپا کردیم و به چندین نامه که از همه جالبتر بودند، جایزه دادیم.

پرتو: دیگر در چه زمینه‌هایی فعالیت داشته‌اید؟

م.س: همان طور که گفتم پروژه‌های ما عمدتاً پروژه‌های آموزشی روی کودکان بوده است، به نحوی که بتوانند ارتباط بهتری با طبیعت و محیط زیست پیرامونشان برقرار کنند و در حد توانشان حامیان محیط زیست باشند. در پروژه‌های دیگر که با دفتر کم‌های کوچک سازمان ملل که در واقع زیرمجموعه برنامه توسعه سازمان ملل است، انجام دادیم روی آشنایی دانش‌آموزان با گیاهان شهر تهران تمرکز کردیم. این کار را از "دبستان سروش" که حدوداً هزار دانش‌آموز در مقاطع پیش دبستانی تا پنجم دبستان دارد شروع کردیم و پروژه را برای کل سال تحصیلی تعریف نمودیم.

پرتو: این آشنایی با گیاهان را چگونه انجام می‌دادید؟

م.س: بچه‌ها را به پارک‌های اطراف مدرسه می‌بردیم و گیاهان مختلف را به آنها نشان می‌دادیم تا با گیاهان بومی تهران آشنا شوند. در کنار این گردش‌های علمی، تکه زمین بایر کوچکی را که در کنار پیاده‌روی مدرسه بود و به نوعی تبدیل به زباله‌دانی شده بود، پاکسازی کرده و در آن شروع به درختکاری کردیم. بچه‌های هر کلاس یک درخت برای کلاشان در آن باغچه کاشتند. سر جمع، ۳۰ درخت کاشتیم. سپس از بین بچه‌های علاقمند مدرسه گروهی به نام "درختبان" تشکیل و آموزش دادیم و برای آنها کارت صادر کردیم تا با استفاده از کارت خود، بتوانند از مدرسه خارج شوند، به درخت خود سر بزنند و از آن مراقبت کنند. در واقع ما در این پروژه کاشت، نگهداری و مراقبت از درختان را به خود بچه‌ها سپردیم. در طول این پروژه، برای بچه‌ها مراسم قصه‌خوانی (با هدف حفظ محیط

زیست) برگزار کردیم، تولید خبرنامه و کتاب هم از کارهای دیگری بود که در طول انجام این پروژه انجام گرفت. و در پایان پروژه به مناسبت روز زمین در مدرسه جشنی برپا کردیم و با کمک بچه‌ها برنامه‌های زیست‌محیطی متنوعی را در مدرسه اجرا و پیاده کردیم.

پرتو: در رابطه با چه موضوعی کتاب چاپ کردید؟

م.س: کتاب ما درباره آموزش گونه‌های گیاهی مختلف شهر تهران بود که در آن به گونه‌های مختلف شهر تهران اشاره کردیم و کارهای عملی بنا به فصول مختلف سال به دانش آموزان پیشنهاد داده‌ایم. این کتاب در نخستین جشنواره رسانه و محیط زیست رتبه سوم بخش تحقیق و پژوهش را به خود اختصاص داد.

پرتو: موفقیت این پروژه را چه طور ارزیابی می‌کنید؟

م.س: اگر از دیدگاه شخصی بخواهم بگویم با توجه به منابع مالی و توان تیمی، پروژه موفق بود. یادم می‌آید ابتدای کار برای گرفتن درخت به دفتر فضای سبز ناحیه رفتم تا تعدادی درخت برای کاشت در باغچه مجاور مدرسه بگیرم، مسئول فضای سبز ناحیه اصرار داشت که بچه‌ها درختان را از بین بخواهند برد. او می‌گفت آنها بارها تلاش کرده‌اند در آن قطعه درختکاری کنند، اما بچه‌ها در هنگام رفت و آمد به مدرسه به درختان آسیب می‌زدند و باعث خشک شدن آنها می‌شوند. پس از این که بالاخره رضایت مسئول فضای سبز را جلب کردیم و موفق شدیم از آنها کود و درخت مورد نیاز خود را بگیریم، درختکاری را با کمک بچه‌ها انجام دادیم. نه تنها در طول اجرای پروژه آسیبی به درختان وارد نشد بلکه پس از دو سال که به آن باغچه سر زدم، دیدم که ۱۵ درخت زنده و سالم مانده‌اند. در حالی که مسئول فضای سبز اطمینان داشت بچه‌ها درختان را از بین خواهند برد، بیش از نیمی از درختان کاشته شده با کمک همان بچه‌ها، زنده و سر حال باقی مانده و حسابی رشد کرده بودند.

پرتو: تیم اجرایی پروژه چند نفر بودید؟

م.س: هسته اصلی پروژه شش نفر بودیم، اما روی هم رفته ۱۴ نفر در مراحل مختلف پروژه مشارکت داشتند. در این پروژه هشت نفر از کسانی که در برنامه‌ها مشارکت داشتند و همچنین مدیر پروژه، داوطلبانه فعالیت می‌کردند و بقیه اعضای پروژه نیز مبلغ کمی بابت حق الزحمه دریافت می‌کردند.

پرتو: چگونه توانستید حمایت دفتر "کمک‌های کوچک سازمان ملل" را برای این پروژه جلب کنید؟

م.س: این سازمان بودجه‌ای برای حمایت از پروژه‌های کوچک توسعه‌ای دارد؛ سازمان‌های غیردولتی می‌توانند برای حمایت‌های مالی این سازمان، طرح پیشنهادی پروژه (پروپزال) بنویسند و به این سازمان ارائه دهند. این سازمان بنا بر اهداف و مأموریت خود تصمیم می‌گیرد که آیا می‌خواهد از آن طرح حمایت کند یا خیر. ما نیز طرح پیشنهادی خود را نوشتیم و به آنها ارائه دادیم و کمی بعد آنها آمادگی خود را برای حمایت از پروژه ما اعلام کردند. لازم است این نکته را هم بگویم که دفتر کمک‌های کوچک سازمان ملل از پروژه‌هایی حمایت می‌کند که عام‌المنفعه بوده و هدف از اجرای پروژه کسب سود شخصی نباشد.

پرتو: به طور کلی عمده‌ترین چالشی که از زمان تاسیس موسسه خود با آن مواجه بوده‌اید، چه بوده است؟

م.س: تامین منابع مالی برای انجام پروژه‌ها، بزرگترین مشکل ما بوده است. به دلیل کمبود منابع مالی، اعضای گروه نمی‌توانند وقت و انرژی کافی روی پروژه‌های موسسه بگذارند و این مسئله ما را با مشکل مدیریت منابع انسانی نیز مواجه می‌کند.

پرتو: چه راهکارهایی به نظرتان می‌رسد که از آن طریق بتوانید این مشکل را تا حدی مهار کنید؟

م.س: به نظرم ریشه این مشکل دو وجه درونی و بیرونی دارد. وجه درونی آن به خود ما و توانایی‌هایمان باز می‌گردد، ما هنوز تجربه، مهارت‌ها و دانش لازم را برای کسب منابع مالی و جذب پروژه نداریم. وجه بیرونی آن به مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جامعه مربوط می‌شود. به عنوان مثال کار ما هم مانند بقیه کسب و کارها در زمانی که شرایط اقتصادی جامعه مطلوب باشد، بهبود پیدا می‌کند، مخصوصاً در خصوص فعالیتهای اجتماعی که در جامعه ما متأسفانه معمولاً در اولویتهای آخر قرار می‌گیرند. لاجرم وقتی وضعیت اقتصادی نامطلوب باشد، اینگونه فعالیتهای و بودجه‌های اختصاصی به آنها نیز در اولویت آخر قرار می‌گیرد. در این اولویت‌بندی علاوه بر مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی و فرهنگی هم دخیل هستند. مسئولینی که قرار است منابع را اختصاص دهند درک درستی نسبت به اینگونه فعالیتهای ندارند و به قول معروف در این حوزه‌ها آموزش ندیده‌اند و نمی‌توانند فلسفه انجام این فعالیتهای را به درستی درک کنند. از طرفی وقتی با انجام این گونه فعالیتهای موافقت می‌کنند به دنبال کارهای زودبازده هستند و می‌خواهند با برگزاری چند کارگاه و کلاس آموزشی معجزه‌ای اتفاق بیفتد و گروه هدف متحول شود.

با تمام این صحبت‌ها نمی‌توان راه حل ویژه و قطعی برای رفع مشکل پیشنهاد داد. فقط باید امیدوار بود که به وسیله تعاملات و آموزش‌های درون سازمانی و برون سازمانی این مشکلات را کم‌رنگ‌تر و با کمک همه ذینفعان و ذریبطن مشکلات را ریشه‌یابی و برطرف کرد.

پرتو: چه پیشنهادی برای آنهایی که تازه در حوزه محیط زیست شروع به فعالیت کرده‌اند دارید؟

م.س: پیشنهاد ویژه و خاصی نمی‌توانم داشته باشم چون هنوز خود ما در ابتدای راه هستیم و نیاز به مشاوره و راهنمایی داریم. ولی طبق آموخته‌هایی که تاکنون در این مسیر داشته‌ام می‌توانم بگویم یکی از راه‌های ماندگاری و تاثیرگذاری در این حوزه، داشتن حوصله و امید به آینده است. همان‌طور که معتقدیم آموزش و توانمندسازی یک فرآیند گام به گام و زمان‌بر است، فرآیند تیم‌سازی، ساختن و راه‌اندازی یک موسسه و کسب و کار اجتماعی نیز یک فرآیند به شدت زمان‌بر و پرچالش است که بدون صبر، ایجاد ظرفیت و افزایش دانش، گام گذاشتن و پایداری در آن بسیار سخت و طاقت فرسا خواهد بود.

پرتو: سپاس فراوان و با آروزی پروژه‌های بیشتر و بیشتر برای موسسه شما.

م.س: متشکرم.